

## پرونده ویژه هفته کارگر

# زندگی معلق کارگران بر موج بلند جنگ

آنچه در تعطیلی کارخانه‌ها رخ می‌دهد صرفاً توقف تولید نیست؛ فرو ریختن تدریجی امنیت روانی و معیشتی خانواده‌هایی است که هر روز صبح با دلهره قبض‌ها و اجاره‌خانه از خواب بیدار می‌شوند



«من ده سال توی همین کارخانه کار کردم، از پخش‌های پایین‌تر شروع کردم و بعد رسیدیم به سرشیفت تولید. سه تا بچه دارم؛ یکی دبیرستانی و دوتا کوچک‌تر. حالا با بیکاری نه پول کرایه‌خانه را دارم بدهم و نه می‌توانم خرج و مخارج بچه‌ها را جور کنم. قیمت‌ها روز به روز بالاتر می‌رود؛ از کرایه تا کسی تا قیمت نان و برنج... این‌ها را مجید می‌گوید؛ یکی از کارگران تبدیل شده یک کارخانه صنعتی در غرب تهران که در پی جنگ مجبور به تعدیل نیرو شد و ده‌ها کارگر را به بیمه بیکاری معرفی کرد. گزارش‌ها حاکی از آن است که از ابتدای سال جاری، در بسیاری از شهرها و شهرک‌های صنعتی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از جنگ آسیب دیده‌اند، واحدهای تولیدی و تجاری فعالیت خود را متوقف کرده یا نیروهای خود را تعدیل کرده‌اند. اگرچه آتش‌بس شکننده ظاهراً تمدید شده است، اما ترکش‌های جنگ بر پیکره بازار کار همچنان ادامه دارد و بر تعداد جمعیت بیکار کشور افزوده می‌شود. بسیاری از کسب‌وکارها، از جمله کارگاه‌های تولیدی و شرکت‌های تجاری، تعطیل شده‌اند یا ناچار به تعدیل نیرو شده‌اند. مجید و همکارانش حالا تقریباً هر روز با دلهره فردای نامعلومی روبه‌رو هستند؛ فردایی که نمی‌دانند چه خواهد شد. «خبر دارم که از زمان تعطیلی شرکت، بعضی که ماشین دارند با همین تاکسی‌های اینترنتی کار می‌کنند

تا از پس زندگی بر بیایند؛ گاهی ۲۴ ساعته... چند نفر از بچه‌ها هم برگشتند شهر خودشان، با دست خالی، به امید اینکه شاید آنجا اوضاع آرام‌تر از تهران باشد و بشود کاری کرد. با یکی از دوستان که حرف می‌زد می‌گفت بعد از سال‌ها دوباره باید دست زن و بچه را بگیرم و برگردم خانه پدرم در شهرستان. خب شنیدن این حرف‌ها درد دارد، به‌خصوص وقتی جیب خالی باشد...» او توضیح می‌دهد که کارخانه از اواخر زمستان شروع به کاهش شیفت کرد و با کمبود مواد اولیه و توقف سفارش‌ها، عملاً کار به تعطیلی کشید. «اول شیفت‌ها را کاهش دادند، بعد گفتند موقت تعطیل می‌کنیم؛ گفتند شاید یک ماه یا دو ماه. اما حالا که مدتی گذشته، دیگر معلوم نیست اصلاً دوباره باز شود.» کیلومترها آن‌سوتر، «رضا» کارگر تعدیل شده یک کارخانه تولیدکننده آب معدنی در شمال کشور می‌گوید: «من مستأجرم. ماهی ۱۵ میلیون فقط اجاره می‌دهم برای یک خانه شصت متری که به زور سه نفرمان در آن جا می‌شویم. همه چیز چند برابر شده، اما درآمد صفر است. قبلاً با اضافه کاری‌ها می‌توانستیم زندگی‌مان را بچرخانیم، حالا با این بیکاری حتی پول قبض برق را هم نداریم که بدهیم.» رضا از روزهایی می‌گوید که امید داشت با صبر و تدبیر

مدیریت کارخانه اوضاع درست شود: «کارفرما تا آخرین لحظه تلاش کرد. شیفت‌ها را نصف کرد و بعضی بخش‌ها را چرخشی کرد تا کسی بیکار نشود. اما وقتی مواد اولیه دچار کمبود شد، دیگر کاری نمی‌شد کرد. ناچار همه را فرستادند خانه.» در پی تعطیلی این واحدهای صنعتی، هزاران خانوار منبع درآمد خود را از دست داده‌اند. تأثیر این بیکاری فقط محدود به محوطه کارخانه نیست. مغازه‌دارها، راننده سروسو‌ها و حتی نانوايي محلی نیز از کاهش مشتری‌ها گلایه دارند. چرخه‌ای که روزی منظم می‌چرخید، حالا از کار افتاده است.

**ضربه جنگ به ستون‌های تولید**  
گزارش‌های منتشرشده از رسانه‌های رسمی نشان می‌دهد حدود ۲۰ شهرک صنعتی و بیش از ۲۰ هزار واحد تجاری و صنعتی در جریان جنگ ۴۰ روز اخیر دچار تخریب یا اختلال جدی شده‌اند. به‌یاد کارشناسان، این آمار به معنای ضربه به ستون‌های اصلی تولید کشور است. بسیاری از بنگاه‌های صنعتی بزرگ و کوچک، از غرب تا جنوب ایران، با توقف تولید یا تعدیل شدید نیروی انسانی روبه‌رو شده‌اند. خبرهای تعدیل نیرو تقریباً هر روز منتشر می‌شود و نگرانی عمومی به سطحی بی‌سابقه رسیده است. در همین رابطه، منابع غیررسمی در فضای

مجازی برآورد کرده‌اند که تنها در ماه نخست سال ۱۴۰۵، چهار میلیون فرصت شغلی از بین رفته یا در معرض تعدیل قرار گرفته است. علاوه بر مشکلات ناشی از جنگ، قطع اینترنت سراسری نیز برای فعالان اقتصادی ضربه سنگینی به بخش خدمات و تجارت آنلاین وارد کرده است. در حالی که فرصت جدیدی برای اشتغال ایجاد نشده، نرخ بیکاری با سرعتی هشداردهنده در حال افزایش است. بر اساس برآوردهای رسمی که اخیراً منتشر شده، حدود ۲۷۰ میلیارد دلار خسارت مستقیم از حملات اخیر به زیرساخت‌های اقتصادی، واحدهای صنعتی و مناطق مسکونی کشور وارد شده است. کارشناسان اقتصادی معتقدند بازسازی این حجم از خسارت، برای کشوری که بستری فعال برای سرمایه‌گذاری ندارد، بیش از یک دهه زمان نیاز خواهد داشت.

### اقتصاد شکننده و بازار کار

با ادامه این روند، بحران بیکاری و تورم ناشی از آن به تدریج در تمامی سطوح اقتصادی و اجتماعی گسترش خواهد یافت. در واحدهای تولیدی و شهرک‌های صنعتی کشور، بسیاری از خانواده‌ها هر روز با ترسی مشابه از خواب بیدار می‌شوند؛ ترس از اینکه فردا چه خواهد شد. با وجود اینکه دولت اعلام کرده تسهیلاتی برای جلوگیری از تعدیل نیرو در واحدهای تولیدی و صنعتی در نظر گرفته است، تداوم روند تعدیل نیرو نشان می‌دهد که حاشیه امن چندانی برای کارگران شاغل در برخی واحدها وجود ندارد. این وضعیت زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بدانیم ایران در تمامی سطوح اقتصادی و اجتماعی گسترش خواهد یافت. در واحدهای تولیدی و شهرک‌های صنعتی کشور، بسیاری از خانواده‌ها هر روز با ترسی مشابه از خواب بیدار می‌شد. بر اساس آمارهای اعلام‌شده، در پاییز ۱۴۰۴ نرخ بیکاری به ۷.۸ درصد رسید و هم‌زمان نرخ مشارکت اقتصادی کاهش یافت؛ به این معنا که بخش قابل توجهی از جمعیت فعال عملاً از چرخه کار کنار کشیدند و نظام اشتغال در بسیاری از بخش‌ها دچار کندی و بی‌اعتمادی شده بود. اکنون، با برآوردهای اولیه از نابودی بیش از یک میلیون شغل و بیکار شدن حدود دو میلیون نفر به شکل مستقیم و غیرمستقیم در پی جنگ اخیر، تصویر موجود دیگر صرفاً بیانگر بحرانی اقتصادی نیست. آنچه شکل گرفته، شوک اجتماعی-اقتصادی بزرگی است که مرزهای معمول بحران را پشت سر گذاشته و به عرصه معیشت و ثبات اجتماعی رسیده است. کاهش فرصت‌های کاری، افت درآمد‌ها و بسته شدن مسیرهای تولید نشان می‌دهد روی موج جنگ نمی‌توان زندگی کرد. اکنون کشور از مرحله افزایش بیکاری گذشته و به مرحله‌ای وارد شده است که ساختار اشتغال و امنیت زندگی میلیون‌ها نفر در معرض دگرگونی قرار دارد؛ دگرگونی‌ای که می‌تواند پیامدهایی بسیار فراتر از آمارهای رسمی برای جامعه به همراه داشته باشد.

نازنین نراقی‌مهر  
روزنامه نگار

قصه مجید  
ورضا تنها  
دور و روایت  
از هزاران  
کارگری است  
که با خاموش  
شدن خط  
تولید، میان  
اجاره‌خانه،  
سفره خالی  
و آینده‌ای  
نامعلوم، به  
تعلیق سپرده  
شده‌اند

## ویژه



A T I V E N O

یادداشت  
O P I N I O N

احمد فاطمی

نماینده مجلس

### تعدیل نیرو؛ مُسکن کوتاه‌مدت

وقتی رکود اقتصادی فرا می‌رسد، نخستین ضربه متوجه بنگاه‌هایی است که هزینه‌های جاری سنگین دارند و بازار فروششان در معرض نوسان دائمی است. در چنین وضعیتی، حرکت طبیعی بسیاری از کارفرمایان به سمت کاهش هزینه‌هاست و یکی از سریع‌ترین و در دسترس‌ترین راه‌ها، تعدیل نیروی انسانی است. با این حال، تجربه نشان داده که این تصمیم، هرچند در کوتاه‌مدت بار مالی را سبک می‌کند، در بلندمدت به بهای آسیب دیدن ساختار سازمانی، از دست رفتن دانش فنی، کاهش انگیزه کارکنان باقی‌مانده و افت کیفیت تولید تمام می‌شود. از این منظر، جلوگیری از موج‌های گسترده تعدیل نیرو نه یک توصیه اخلاقی، بلکه ضرورتی اجتماعی و اقتصادی است که با ثبات معیشت و آرامش روانی جامعه گره خورده است.

با این همه، این هدف زمانی قابل تحقق است که پشتوانه‌ای از حمایت‌های واقعی، هدفمند و قابل اجرا وجود داشته باشد. صرف تأکید بر «عدم تعدیل نیرو» بدون تأمین منابع مالی پایدار برای کارفرمایان، در عمل می‌تواند به تعطیلی خاموش کارگاه‌ها منجر شود؛ وضعیتی که ظاهراً اشتغال را حفظ می‌کند، اما در باطن، بهره‌وری و توان رقابت را فرسوده می‌سازد. کارگاهی که صرفاً برای حفظ نام و لیست بیمه زنده نگه داشته می‌شود، به تدریج از سرمایه انسانی تهی و به واحدی نیمه‌فعال و کم‌اثر تبدیل خواهد شد.

در چنین چارچوبی است که احمد فاطمی، نماینده مجلس، با اشاره به دوره پس از رکود ناشی از جنگ، تأکید می‌کند که یکی از کارآمدترین راه‌ها برای عبور از شرایط فعلی، به کارگیری هوشمندانه حمایت‌های دولتی با محوریت کارگاه‌های کوچک و متوسط است؛ واحدهایی که بیشترین سهم اشتغال را بر عهده دارند و در عین حال بیشترین آسیب را از بحران‌ها متحمل می‌شوند. حفظ و تقویت چرخه تولید در این بنگاه‌ها، نه تنها مانع تعمیق رکود می‌شود، بلکه از شکل‌گیری بحران‌های ثانویه در بازار کار و سفره خانوار جلوگیری می‌کند. حمایت هدفمند از این واحدها، به‌ویژه در بخش‌هایی که نیروی کار قابل توجهی را به کار گرفته‌اند، هم به حفظ شغل کارگران کمک می‌کند و هم با تداوم جریان تولید، مانع کمبود کالا و جهش‌های بی‌رویه قیمت‌ها می‌شود.

عضو کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۵، در ادامه، تولید داخلی را در شرایط جنگ و تنش‌های خارجی یک مزیت راهبردی می‌داند؛ اتکا به تولید ملی، وابستگی به واردات را کاهش داده و از آسیب‌پذیری کشور در برابر فشارهای بیرونی می‌کاهد. در این معنا، حمایت از تولید تنه‌ایک تصمیم اقتصادی نیست، بلکه ضرورتی امنیتی و دفاعی است که با ثبات اقتصادی و اجتماعی پیوند دارد. از همین رو، او بر نقش تسهیلات اعطایی ذیل سامانه «کات» تأکید می‌کند؛ تسهیلاتی که با تأمین نقدینگی و با محوریت بانک‌های دولتی، به بنگاه‌ها امکان می‌دهد هزینه‌های جاری خود را پوشش دهند و بدون توسل به تعدیل نیرو، اشتغال موجود را حفظ کنند.